

۱۰ شهریور ۱۳۹۵

## آرش نراقی و مغالطه «نمدمالی»

طاها پارسا

نقل است که وقتی خواجه نصیرالدین طوسی، همراه با سپاه مغول به فرماندهی هلاکوخان، وارد بغداد شدند و می‌خواستند آخرین خلیفه عباسی را بکشند، خواجه نصیر که عالمی دینی و فلسفه دان بود، دستور داد خلیفه را درون یک نمد بپیچند و آن قدر مالش دهند تا جان دهد. خواجه نصیرالدین این کار را برای اجتناب از وقوع برخی مشکلات در جامعه مذهبی آن عصر انجام داد که اعتقاد داشتند پیامبر اسلام گفته است «کسی که خون خلفای مرا بر زمین می‌ریزد، به جهنم می‌رود». خواجه نصیر در صورت اعتراض به او ادعا می‌کرد که چون خون خلیفه بر زمین نریخته، مشمول آن حدیث نمی‌شود.

فارغ از صحت و سقم این روایت تاریخی، خواجه نصیر در این رفتار خود می‌خواست است به شکل تحت‌اللفظی آن حدیث توسل جوید و «کشتن» خلیفه را به اصطلاح ماستمالی کند. این‌گونه توسل جستن به معنای تحت‌اللفظی، مغالطه رایج و ساده‌ای است به نام «مغالطه توسل به معنای تحت‌اللفظی» یا به اعتبار همین قصه «مغالطه نمدمالی».

\*\*\*

مغالطه «توسل به معنای تحت‌اللفظی» یا «نمدمالی» ( Extensional pruning )

(<http://skill.appstutor.net/how-to-win-every-argument/a33.html>)، نوعی از مغالطه است که در آن فرد مغالطه گر از کلماتی استفاده می‌کند که به‌طور متعارف معنای خاصی از آن فهمیده می‌شود، اما هنگام ضرورت از آن معنا عقب‌نشینی کرده و به یک معنای دیگر از کلمات متوسل می‌شود. وقوع این مغالطه از آنجا ناشی می‌شود که هر لفظ معمولاً یک معنای تحت‌اللفظی و اصلی دارد ولی برای برخی الفاظ، بنا بر استفاده‌های خاص از آن لفظ در فرهنگ جامعه، به‌تدریج معانی فرعی و حواشی به معنای اصلی و تحت‌اللفظی آن اضافه می‌شود. مثلاً شما وقتی قول می‌دهید که «غذا را حساب می‌کنید»، معنای تحت‌اللفظی «حساب کردن» را مدنظر ندارید، بلکه می‌خواهید بگوئید «حساب می‌کنم و پرداخت می‌کنم». اما اگر بخواهید زیر قول خود بزنید، می‌توانید به همان معنای تحت‌اللفظی پناه ببرید و فقط پول غذا را جمع و ضرب کرده و به اصطلاح علمی «حساب» کنید.

مغالطه نمدمالی به دو شکل انجام می‌شود. گاهی شخص از همان آغاز برای گمراه کردن و فریب مخاطب، لفظی را استعمال می‌کند که می‌داند مخاطب او آن لفظ را همراه با معنای زائدش می‌فهمد، درحالی‌که گوینده تنها معنای تحت‌اللفظی را در نظر داشته است. و گاهی نیز خود گوینده معنای متعارف را در نظر می‌گیرد، اما در شرایطی

مجبور می‌شود که از آن معنا عدول کند و متوسل به معنای تحت‌اللفظی آن بشود. (و البته گاهی هم گوینده در نقل و تفسیر سخن شخص دیگری متوسل به معنای تحت‌اللفظی برخی کلمات می‌شود.)

معمولاً کسانی که مرتکب این مغالطه می‌شوند، در آغاز سخن خود از عبارات خاصی استفاده می‌کنند، مثلاً می‌گویند: «تمام آنچه من گفته بودم این بود که ...» یا می‌گویند «اگر دقیقاً به کلمات من توجه کنید می‌فهمید که ...». در بیشتر مواردی که کسی از چنین عبارتهایی استفاده می‌کند می‌توان فهمید که مرتکب مغالطه «توسل به معنای تحت‌اللفظی» شده است.

به این نمونه توجه کنید :

اگر دقیقاً به متن خبری که ما به روزنامه اعلام کردیم و چاپ شد مراجعه کنید می‌بینید که ما گفته بودیم با حضور رئیس‌جمهور این کارخانه «افتتاح» شد، ما نگفتیم که کارخانه راه‌اندازی و بهره‌برداری شد.

در این نمونه، گوینده با استفاده از عبارت «اگر دقیقاً به متن خبری که ما به روزنامه گفتیم»، مغالطه کرده و به معنای تحت‌اللفظی «افتتاح» متوسل شده است و مثلاً کوشیده است مخاطب را از معنای رایج و مرسوم و روزمره کلمه «افتتاح» منحرف کند، شاید به این وسیله بتواند خبر قبلی خود را مبنی بر افتتاح کارخانه، توجیه یا نمدمالی کند.

نمونه روزمره این مغالطه را می‌توانید در نوشته‌ی اخیر آرش نراقی در خصوص عبدالکریم سروش مشاهده کرد. نراقی در فیس‌بوک خود با درج نوشته‌ای کوتاه تلاش کرد که سروش را به فرقه‌سازی متهم کند. او نوشت:

(<https://www.facebook.com/arash.naraghi.94?fref=nf&pnref=story>)

سروش از مدت‌ها پیش در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش زمزمه‌هایی را در خصوص ضرورت تأسیس یک «فرقه» یا آیین دینی تازه آغاز کرده بود. و به نظرم اکنون مایل است که گام‌های عملی تازه‌تری را برای اعلام موجودیت این «فرقه» یا آیین دینی تازه بردارد. برای مثال، به نظرم شاید بتوان مدعی او را در خصوص خواب‌نامه خواندن قرآن تلاشی در همین جهت دانست.

آرش نراقی پس از آنکه با انتقادهایی در خصوص استفاده‌اش از تعبیر «فرقه» و «فرقه‌سازی» بدون ذکر دلیل و شواهد مواجه شد، به مغالطه «نمدمالی» روی آورده و با درج یک «پی‌نوشت»، کوشید نشان دهد که معنای خاصی از «فرقه» را مراد داشته است. او افزود: ([https://www.facebook.com/arash.naraghi.94?](https://www.facebook.com/arash.naraghi.94?fref=nf&pnref=story))

([fref=nf&pnref=story](https://www.facebook.com/arash.naraghi.94?fref=nf&pnref=story))

پی‌نوشت:

پس از انتشار این یادداشت، برخی دوستان مشفق از سر دل‌نگرانی از من پرسیده‌اند که چرا من در یادداشت فوق از تعبیر «فرقه» استفاده کرده‌ام. حقیقت این است که تعبیر «فرقه» در گفتار شخص آقای دکتر سروش آمده است. برای مثال، ایشان در یکی از سخنرانی‌هایشان در سیاق بحث رؤیاهای رسولانه، رؤیایی را نقل می‌کنند که مطابق آن «فرقه سروشیه» «ایران گیر» و «عالم‌گیر» خواهد شد.

عبارت «حقیقت این است که ...» یکی از همان عبارات رایجی است که این مغالطه را افشا می‌کند. نراقی به کمک این عبارت و با توسل به معنای تحت‌اللفظی «فرقه» در لفظ سروش و در یکی از شوخی‌های او ( <https://www.facebook.com/drsorouh/videos/288185988211021> )، می‌کوشد خواننده را گمراه یا توجیه کند.

این مغالطه در نوشته بعدی آرش نراقی (

<https://www.facebook.com/arash.naraghi.94/posts/10157262561875035>) در فیس‌بوک مکرر شده است، با این تفاوت که این بار گفته است که معنای تحت‌اللفظی خاص و علمی «فرقه» مراد اوست ( و لذا بوده است):

من در اینجا تعبیر «فرقه» یا «دین» را به همان معنایی به کار می‌برم که در دین‌شناسی به کار می‌رود. در این کاربرد «فرقه‌سازی» یا «تأسیس دین» از حیث ارزشی نه خوب است و نه بد. پس از تولد و تکون این فرق یا ادیان است که می‌توان با ملاحظه کارنامه آن‌ها درباره‌شان داوری ارزشی کرد نه پیش از آن.

در مغالطات بخوانید:

آرش نراقی و مغالطه «نمدمالی» (<http://zeitoons.com/16841>)

حسن خمینی و مغالطه «پیش‌فرض نادرست» (<http://zeitoons.com/15756>)

موسوی بجنوردی و مغالطه «حمله شخصی» (<http://zeitoons.com/15605>)

حسن روحانی و مغالطه «تعمیم شتاب زده» (<http://zeitoons.com/14825>)

اسحاق جهانگیری و مغالطه «علت جعلی» (<http://zeitoons.com/12251>)

وزیر بهداشت و مغالطه «امتیاز کشیشان» (<http://zeitoons.com/11715>)

علی خمینی و مغالطه «خودت هم» (<http://zeitoons.com/10177>)

محسنی اژه ای و مغالطه «اشتراک لفظ» (<http://zeitoons.com/7119>)

مصباح یزدی و مغالطه «اهمال سور» (<http://zeitoons.com/6118>)

آیت الله خامنه ای و مغالطه «پهلوان پنبه» (<http://zeitoons.com/4809>)

اشتراک‌گذاری این مطلب:

<http://zeitoons.com/16841?share=facebook> فیسبوک

<http://zeitoons.com/16841?share=twitter> توییتر

<http://zeitoons.com/16841#print> چاپ

<http://zeitoons.com/16841?share=email> رایانامه

بازگشت به صفحه اول (/)



(<https://telegram.me/zeitoons>)

» مطلب قبلی (<http://zeitoons.com/16838>)

6 پاسخ به «آرش نراقی و مغالطه «نمدمالی»»

— داود (<http://www.panevis.com>)

می‌گه:

شهریور ۱۰، ۱۳۹۵ در ۱۷:۱۰ ق،ظ (<http://zeitoons.com/16841#comment-1679>)

جناب آقای طاهای پارسا،

درست است که آقای نراقی نمدمالی کرده و توجیه کرده حرفش را، اما شما هم در این تحلیل خود، مته به خشخاش نهاده‌اید، عزیز. چسبیدن به دلایل لفظی و اینکه «هر کس از فلان الفاظ، مانند «حقیقت اینست که...»، استفاده کرد، دیگر مرتکب مغالطه شده، اصلاً عقل پسند نیست، جانا.

چه بسا ممکن است کسانی واقعاً حرف کسی را اشتباه متوجه شوند.

خود دکتر سروش عزیز هم بسیار بسیار دارد در صحبت‌هایشان که «حقیقت اینست که...»، یا «انجا منظور من این نبود، آن بود...». و واقعاً هم منظورشان را افرادی اشتباه متوجه شده بودند...

پس، ای عزیز، اینطور با عبارات و الفاظ حجت صادر نکن. این تحلیل و حکم راندن شما بسیار سست است. فارغ از اینکه نراقی حرف اشتباهی زده، یا نزده.

زنده باشی.

پاسخ دادن (<http://zeitoons.com/16841?replytoom=1679#respond>)

— طاهای پارسا

می‌گه:

شهریور ۱۰، ۱۳۹۵ در ۲۰:۱ ب،ظ (<http://zeitoons.com/16841#comment-1681>)